



# نقش مشاوران تربیتی بزمکاری جوانان ایران

بررسی مشکلات مربوط به جوانان و نقش عوامل مزاحم و شکنجه دهنده دوره های جوانی و شرایط فلج کننده استعداد های جوانان بزهدکار نکته اساسی این تحقیق را تشکیل می دهد . این شرایط دردناک یعنی رفتارهای مخالف و نامناسب آنان باز خود مشکلات افراد

میتوان ادعا کرد که با توسعه سطح آموزش و پرورش جرم و جنایت به طور قابل ملاحظه ای کاهش پیدایی کند. اما باید این مطلب اضافه شود که تربیت ناقص نیز تأثیر خطرناکی در کودک خواهد داشت .

بزرگسال ایران را افزایش می‌دهد و برای پدران و مادران ناراحتی‌ها و تشویش‌ها به بار می‌آورد .

همانطور که در جلد اول کتاب (نقش خانواده و اقتصاد بزهکاری جوانان ایران) بیان شده است علاوه بر آن که جوانان امید و آینده‌کشورند بلکه اکثریت افراد جامعه ایران را که در حدود (۵۰ درصد) است تشکیل می‌دهند . این وضع اختصاص به ایران ندارد و تقریباً در تمام دنیا خصوصاً در کشورهای درحال توسعه یکی از مسائل مهم اجتماعی است . زیرا این طبقه اکثریت را نباید فراسوش کنیم تا در اثر اوضاع ناساعد و شرایط فلج - کننده ، قدرت‌ها و استعدادها ، پرتحرک آنان به تدریج تباه شود . این امر نشان می‌دهد که مسئله بزهکاری و ناسازگاری جوانان در ایران با جدیت بسیار زیاد ، از طرف همه کسانی که در این زمینه آگاهی دارند باید تعقیب شود . زیرا تحقیقات نشان داده است که کشف جرائم و مجازات مجرمین جوان چندان تأثیری در اصلاح آنان نداشته است بلکه بایستی برای تقلیل و از بین بردن جرائم ، عوامل ناساعد اجتماعی را بشناسیم و انتظار نداشته باشیم که با شدت عمل و مجازات‌ها و محکومیت‌ها تقلیلی در جرائم پدید آید ، از این لحاظ است که این موضوع ( مسئله جوانان ) یک وضعیت اختصاصی را برای تحقیق همه‌جانبه مشکلات کشور ایجاد می‌کند .

زیرا دوره جوانی ، سنین گرایشها و توجه‌ها و تمایلات و تأثرات جسمی و روانی زندگی است ، تحت تأثیر عوامل مختلف ، جوانان از نظر روانی ، فرهنگی ، اجتماعی از هر زمان دیگر ضعف و ناتوانی‌ها را بیشتر منعکس می‌کند . به این علت بررسی مسائل جوانان در ایران از همه واقعیت‌های دیگر زمان حاضر مهمتر و

شایسته‌تر است .

در میان جامعه‌های مختلف خصوصاً در کشورهای صنعتی این مسئله یعنی تحقیق در باره بزهکاری و ناسازگاری جوانان امری تازه نیست ، و روی این مسئله تحقیقات بسیاری بعمل آمده است و برای صیانت جامعه و حفظ و حمایت جوانان ، تاکنون واقعیت‌های عینی و قطعی انکار ناپذیری در رفاه عمومی ، اثرات خود را نیز بخشیده است . زیرا در آنجا هر یک از متخصصان امر مسئله را به نحوی لمس کرده‌اند و حاصل مطالعات آنان به نحو بارزی برای دیگران نیز مورد بهره‌گیری واقع شده است . آنان نیز موضوع بزهکاری جوانان را به اطلاعات صریح و صحیح متخصصان امر موکول کرده‌اند و تحقیقات اینان در زمینه شرایط زندگی اجتماعی و بیولوژیکی طبقه بندی و اصلاح این گروه اثرات زیادی داشته است .

گرچه قضاوتها و ارزیابیهای شتابزده که به صورت دستورنومونه تدوین یافته ، یکی پس از دیگری با تحقیقاتی که از طرف روان - شناسان و جامعه‌شناسان در زمینه علت‌های واقعی بزهکاری به عمل آمده است ، مورد تردید و اشکال واقع شده است . در مقابل بدون تردید کوشش‌های آنان اطلاعات اساسی‌تری را برای آگاهی در مسائل عمومی و رفتارهای (جنایتکاران و نیز بزهکاران گمراه) در برداشته است . اما هر بار این تحقیقات در قلمرو خاصی جریان یافته و متخصصان امر موضوع بزهکاری و جنایات را از چشم انداز خاصی مورد بررسی قرار داده‌اند . با وجود این ، بعضی از این تحقیقات مربوط به جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی توانسته است موضوع را به طور همه جانبه در برگیرد . یعنی روی بعضی از عوامل نظیر تناقضات ارزشهای فرهنگی و تأثیرات شوم بعضی معاشرت‌ها ، گذراندن ناسازگار اوقات

آزادی ، نقصان سرگرمی مناسب ، شرایط اجتماعی ، اقتصادی ، نظیر درهم برهمی ناشی از تأثیرات شوم بحرانهای اقتصادی و عدم تکامل سلول خانواده ویایی نظمی های کامل ناشی از سیاست های نسجیده اقتصادی ، تحقیقات بسیار به عمل آمده است و در مجموع گرایش های متخصصان با همه تئوریها اغلب سارا به این نکته متوجه می کنند و مارا متقاعد می سازد که تنها تعریف و تشریح ارزشمند نمی تواند به طور مطلوب نتیجه دهد مگر این که دانش و آگاهی آنان در این زمینه منجر به حل عملی این مسئله اجتماعی شود .

از این بیان این نتیجه به دست می آید که آگاهیها در باره مداخله عوامل مختلف جنایتکاری و بزهکاری بسیار کم است . با وجود این ، آنچه اساسی به نظر می رسد این است که بایستی بزهکاران مداوا و معالجه شوند ، سیاست جنائی سببی بر تنبیه و گوشمالی و مجازات نباید اعمال شود بلکه باید سیاست تربیت و رهنمائی مورد توجه قرار گیرد .

از کنگره ها و سراکز بررسی که در آنها متخصصان ، مطالعات خود را در زمینه شناخت علل بزهکاری و جنایتکاری متمرکز نموده اند ، می توانیم بطور اختصار از کنگره ای که بوسیله سازمان ملل در ۱۹۵۶ تشکیل گردید و نیز پنجمین کنگره دفاع سلی استو کدین ۱۹۵۸ و کنگره قضات دادگاههای اطفال که اولین بار در ۱۹۵۶ در بروکسل تشکیل شد نام ببریم . این کنگره ها که برای شناخت و مداوا و معالجه اطفال و جوانان بزهکار تشکیل می گردند دلائل و هدفهای زیادی دارند زیرا اطفالی که در سنین رشد و تکامل هستند و مراحل حساس زندگی را می گذرانند ، آزمایشی بهرمنند نخواهند شد مگر اینکه در دوره طفولیت عوامل مخرب و آسیب رسان را که عواطف و احساسات

و انرژی های عمومی آنها را مختل می نمایند بشناسیم . یعنی قبل از اینکه بذریزه کاری زمینه مساعدت برای رشد و توسعه خود پیدا کنند ، از پیدایش رشد آن که شگفتگی ها و استعداها و اندیشه ها و بالاخره اراده آنها را محو نابود می کند ، جلوگیری نماییم .

جوانانی که سنین کمتر از ۲۵ سال را می گذرانند ، باید در همه حالات مورد توجه قضات اطفال باشند . دکتر آلندی می گوید :

لازم است از روا داشتن هرگونه بیعدالتی در مورد کودکان خودداری شود تا زمینه برای تمایل به دزدی در او آماده نگردد ( هر کودک کی که دزد می شود ، بدون تردید حقی از وی پایمال شده و بایجادگری روبرو گشته است . )

در مجموع ، از تحقیقاتی که بطور سیستماتیک در باره علل بزهکاری و بخصوص بزهکاری جوانان انجام داده ایم تا بلوی تطبیقی زیر خطوط اساسی عوامل اجتماعی بزهکاری اطفال و جوانان رانشان می دهد :

۱ - در ۵۸ درصد خانواده های جوانان بزهکار در مقابل ۳۲ درصد خانواده های غیر بزهکار از هم پاشیدگی وجود داشته است .

۲ - ۱۰ درصد خانواده های جوانان بزهکار در مقابل صفر درصد خانواده های غیر بزهکار طلاق وجود داشته که اطفال از طرف پدر و مادر بکلی فراموش شده بودند .

۳ - ۱۲ درصد پدر و مادران جوانان بزهکار در مقابل ۲ درصد پدران و مادران جوانان غیر بزهکار خود بزهکار و جنایتکار بوده اند .

۴ - ۶/۶۵ درصد اطفال ناسازگار در مقابل ۱۱/۸ درصد اطفال سازگار در میان پدر و مادر خود یا توافق اخلاقی نداشته اند و یا بعللی از هم جدا شده بودند .

۵ - جرائم ارتكابی در نواحی فقیرنشین ۳/۵ برابر تمام جرائمی بود که جوانان در نواحی دیگر مرتکب شده بودند و ۵۸ درصد نمونه انتخابی مخصوصاً جوانانی که جرائم آنان سرعت و یا مواد مخدره بود در این نواحی سکونت داشتند .

۶ - ۵۸ درصد پدران و مادران بزهکار (مخصوصاً مرتکبین جرائم علیه اسوا و مواد مخدره) در خانه های مسکونی خود مستاجر بوده اند ، در صورتی که فقط ۱۴ درصد پدران و مادران جوانان غیر بزهکار در این شرایط بودند .

۷ - در ۲۲ درصد خانواده های بزهکاران پدران زنان متعددی داشتند و این نسبت برای گروه کنترل فقط ۸ درصد بود ، و در ۶ خانواده گروه بزهکار که پدران آنها زنان متعدد داشتند مجموعاً ۳۳ نفر برادر و خواهر ناتنی وجود داشته است ، در صورتی که در گروه کنترل ۳ خانواده از این مقوله پیدا کرده ایم که فقط دارای ۳ نفر برادر و خواهر ناتنی بوده اند .

۸ - ۷۰ درصد خانواده های جوانان بزهکار در مقابل ۱۰ درصد خانواده های گروه غیر بزهکار درآمد ماهانه شان کمتر از ۷۵ تومان بود و ۴۳ درصد گروه اول فقط ۱۰ درصد گروه دوم حتی درآمد ماهانه آنها کمتر از ۵۰ تومان در هر ماه بوده است .

۹ - ۵۸ درصد جوانان بزهکار نه در انتخاب شغل راهنمایی شده اند و نه دوره های کارآموزی حرفه ای دیده اند ، در صورتی که این نسبت در میان جوانان غیر بزهکار فقط ۸ درصد بوده است و ۶۶ درصد اطفال و جوانان بزهکار یک یا چند مرتبه از محیط کار ، خانه و باکارگاه اخراج شده اند و این وضعیت برای آنان غیر بزهکار فقط ۴ درصد بوده است .

و همانطور ۶۶ درصد جوانان بزهکار در مقابل ۳۲ درصد جوانان غیر بزهکار کار خود را قبل از ۱۴ سالگی آغاز نموده اند .

۱۰ - ۹۴ درصد جوانان گروه بزهکار ۳۲ درصد جوانان گروه غیر بزهکار در مقابل این سؤال که در گذشته چه موفقیتی داشتید ، جواب داده اند که ما گذشته ای نداریم تا موفق باشیم و ۹۰ درصد جوانان گروه اول در مقابل ۳۰ درصد جوانان گروه دوم در مقابل این سؤال که آیا به آینده امیدوار هستید ، جواب داده اند که ما به آینده اصلاً آمیدی نداریم .

۱۱ - ۷۶ درصد پدران و ۸۰ درصد مادران ۶۲ درصد خود جوانان بزهکار در مقابل ۴۴ درصد پدران و ۶۰ درصد مادران و ۳۸ درصد خود جوانان غیر بزهکار کاملاً بی سواد بودند .

این تابلوی تطبیقی ، بدون تردید نشان دهنده عدم ثبات و ناپایداری شرایط زندگی اطفال و جوانان بزهکار در ایران است . پس در این وضع خواسته های جوانان تحقق پیدا نمی کند و نیز استعداد های وجودشان در دوران کمال زندگی پزورده می شود این چنین شرایط است که سبب پیدایش اخلاق پست بزهکارانه می شود و فرد به قوانین کاملاً شناخته اجتماعی بی اعتنائی می کند و از اینجا است که او به قوانین مشخص حرمت نمی گذارد و نظام بعضی از ارزشها را زیر پا می گذارد . زیرا چنین شرایطی می تواند برای کسی که بالقوه بزهکار است نه بالفعل به طور مداوم مشکلاتی فراهم نماید ، که بر طبق حالت های خاص ، این وضع نامنظم درونی یک نوع بی ثباتی فراهم خواهد کرد . یعنی این عوامل سبب می شود که او تعهدات و قواعد اجتماعی را نقض می کند و همراه آن ، برای فراگیری یک حرفه بی قیدی نشان می دهد ، و گرایش هایی که کم و بیش

اگر ما جرم و همانطور رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری را بعنوان یک علامت مرض یا یک حالت از ناسازگاری مشاهده می کنیم می توان گفت که در درجه اول باید علامات ظهور این مرض و رفتارهای ضد اجتماعی را در محیط و زمان معین مشخص کنیم پس در این صورت است که پس از بررسی و شناخت شرایطی را که علامت این مرض و رفتارهای ضد اجتماعی

علامت های ولگردی را دارند از خود نشان می دهد ، و سرانجام این بی قاعدگی زندگی او را به مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی بی اعتنا می نماید و گاهی ، این وضعیات رفتار او را به مرحله بی می رسانند که بازگشت از آن برای وی غیر ممکن می شود ، یعنی جز ارتکاب اعمال تبه کارانه و یا بزهکارانه راه دیگری برای وی باقی نمی ماند .



در آن ظاهر شده‌اند تغییر بدھیم یعنی این تغییر شرایط نامناسب است که می‌تواند از توسعه این آفت جلوگیری نمایند. یعنی قبل از اینکه در مداوای معالجه آنها خیلی دیر شده باشد. آیا روشهای بهداشتی و مراقبت در وضع این چنین خانواده‌ها و این چنین جوانان برای اینکه آنان بعنوان یک عضو فعال اجتماع گردند روش مناسبی نیست؟ درست است که می‌توانیم بگوئیم این اقدامات می‌تواند از بزهکاری جوانان جلوگیری کنند ولی هرگز آنرا متوقف نمی‌کنند. زیرا هرگز نمی‌توان یأس و ناامیدی را که در میان آنها پیدا شده است با مبارزه و مجازاتهای سنگین نابود کرد. مگر اینکه یک شرایط مساعد برای آنها ایجاد نمود که در آن شرایط تمام انرژیها و نیروهای خلاقه این جوانان در جهت دلخواه پرورش و استعدادهای آنان شکوفان گردد و به کمال مطلوب برسند.

ارتکاب جرائم و تخلفات زیاد در این سنین نظر جرم شناسان را روی این دوره که بنظر می‌رسد حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دوره زندگی یک طفل است معطوف نموده است. مطابق آمار دادگاه اطفال شهرستان رضائیه جوانانی که در سنین ۱۴ یا ۱۸ محکومیت یافته‌اند در مدت یکسال (از ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷) ده در صد افزایش یافته و آمار زیر جرائم و تخلفات آنها را نشان می‌دهد:

|                  |           |
|------------------|-----------|
| جرائم علیه اشخاص | ۱/۷ درصد  |
| جرائم علیه اموال | ۳۰/۱ درصد |
| جرائم علیه اخلاق | ۶/۲ درصد  |
| جرائم مواد مخدره | ۳/۵ درصد  |
| سایر جرائم       | ۱۸/۵ درصد |

جمع ۱۰۰/۰

بالاترین جرائم و تخلفات ارتکابی عبارتند از سرقت و جیب‌بری در حدود (۳۰ درصد) و ایراد ضرب عمدی در حدود (۳۴ درصد) و جرائم جنسی و رابطه نامشروع و فرار دادن دختر و تجاوز و مزاحمت (۶/۲ درصد) و باید در این جا اضافه کنیم که بعضی از جرائم در نزد جوانانی که سنین ۱۸ تا ۲۰ را می‌گذرانند بیشتر است مانند جرائم و تجاوزات بناموس و مزاحمت بزن مخصوصاً در سنین ۱۸ تا ۲۱ سالگی بیشتر است در حدود (۳/۵ درصد).

آمار زیر جرائم جوانان بین ۱۴ تا ۲۰ ساله را نشان می‌دهد. (۱)

|                  |           |
|------------------|-----------|
| جرائم علیه اشخاص | ۳۷/۲ درصد |
| جرائم علیه اموال | ۲۳/۲ درصد |
| جرائم علیه اخلاق | ۲۵/۳ درصد |
| جرائم مواد مخدره | ۱/۸ درصد  |
| سایر جرائم       | ۱۲/۵ درصد |

جمع ۱۰۰/۰

هنگامی که خانواده‌ای از هم گسیخته شود و نظام اقتصادی و تربیتی مختل شود چه بر سر کودکان خواهد آمد؟ اگر تفاوت‌های مبتنی بر شرایط خانواده از نظر ازمه پاشیدگی و عدم توافق‌های پدران و مادران یا جنایتکاری آنان و یا نقشی الگوهای مخرب معلات فقیر- نشین و اثرات شوم فقر اقتصادی خانواده و ..... را که در صفحات فوق آوردیم

جدی تلقی کنیم، می‌توانیم به این سؤال که چرا جوانان و اطفال بزهکاری می‌گردند جواب صحیح بدھیم یعنی (فرزندان خانواده‌های ازمه پاشیده و توخالی) زیرا ساطعات مابه شرایط خانوادگی و اقتصادی و تربیتی و تفاوت ۱ - مانند: دادگاه اطفال شهرستان

رضائیه برای سال ۱۳۴۶-۴۷.

۱ - ماخذ دایره زندان شهر رضائیه.

کافی است . پدرمادری که در کانون خانواده نیستند و یا خود جنایتکار هستند نمی توانند مدل نقشی برای فرزندان باشند و یا منشاء قدرتی برای اجبار آنها به تطابق با قواعد اجتماعی وابسته ، در این مورد اعم از اینکه فقدان بر اثر مرگ یا طلاق و یا غیبت طولانی و یا بیکاری باشد نتیجه یکی است .

در هر صورت دزخانواده های از هم پاشیده طلاق و جدائی پدرمادربیش از مرگ در بزهکاری اطفال و جوانان اثر می گذارد و میزان جرم در خانواده هایی که پدر وضعیت شغلی ناپایداری دارد ۳۶ درصد بیش تر است از خانواده هایی که وضع پایداری دارند . اگر ۲ و ۴ درصد اطفال و جوانان بزهکار در اثر مرگ پدر یا مادر یا هر دو همسر ، خوشبختی خود را از دست داده اند ، در واقع در گروه کنترل این نسبت ۳۴ درصد بوده است و می توان گفت که اگر وضع طبقاتی خانواده پایدار باشد می توانیم معتقد باشیم که اثرات طلاق در بزهکاری اطفال بیشتر از مرگ پدر و مادر است .

زیرا طفلی که پدرمادر خود را در اثر

فرزندان خانواده هایی که دچار حوادث اجتماعی شده اند و فرزندان خانواده دیگر متمرکز شده است . اما ممکن است با وجود این ، در چنین مقایسه وسیع شرایط اجتماعی واقعیت های دیگر از نظرها دور بمانند که در تابلوی تطبیقی که بطور اختصار بیان گردید بررسی نموده ایم و آنها را نشان نمی دهند اما تا چه حد خانواده های دو گروه می توانند تکالیف ناشی از نقش خود را در مقابل این اطفال انجام دهند بروشنی مشخص نموده ایم . مطالعات زیادی در باره مشکلات روانی افرادی که در کودکی در خانواده های از هم پاشیده و تو خالی زندگی کرده اند انجام گرفته است .

در بسیاری از این تحقیقات نشان می دهند که جرم جوانان به خانواده هایی متلاشی شده مربوط می شود . قسمتی از این ارتباط در نتیجه این حقیقت بوجود آمده که طلاق و میزان مرگ و میر در نقاط فقیر نشین بیشتر است جایی که میزان جرم نیز بالاتر می باشد . یکی دیگر از عناصر موجود در این ارتباط عدم موفقیت در اجتماعی کردن و تربیت کردن

برای مطالعات بیشتری می توانید بسه منابع زیر مراجعه کنید :

1. Enquete Rublié avec le concours au C.N.R.S.O
2. Criminels et valeurs vecues Par Cristian Debuist.
3. Clueck Set, E- Les delinquants en folie Traduit de l'american, par Verdun. Paris, édition Hachette. 1956
4. Dr Menut; les dissociations familiales et troubles de caracteres chez les enfants ét. familiales de France, 1943.
5. Bernard Farlier, Family organisation and crisis Society for Research in child development 1960.

۱ - خانواده و جامعه اثر ویلیام جی گرد؛ ترجمه ویدا ناصحی (بهنام) بنگاه ترجمه ،  
و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۲ ، صفحه ۲۷۵ .

سرگ از دست می دهد کمتر امکان هست که با مسائل خانوادگی مانند منازعات یا عدم توافق - های ظاهری و پنهانی روبرو شود. در صورتی که در زندگی هیچان آمیز خانوادگی که دائماً رنج آور است ، سرانجام آن چه طلاق باشد چه زندگی بدون تفاهم برای کودکانی که گرفتار چنین کشمکش پدر و مادر هستند خطرناک تر است .

همانطوری که قبلاً متذکر شدیم قسمت اعظم خانواده های مطالعه شده و نتایج تحقیقات نشان می دهند و همانطور که گلوئیکی ها و مارگارت سید میگویند ، ادامه زندگی دوزخ و مرگ که ظاهرآ بهم زن و شوهر هستند ولی بدون وفاق و بدون خوشبختی که به طلاق هم منتهی نشده است بیش از طلاق در بوجود آوردن جرم جوانان مؤثر است .

فقدان تربیت خانوادگی و تناقضات شدید این محیط عدم رعایت حقوقی که جامعه الزاماً مجبوره ایفاء آن بوده ، عدم تعادل شرایط عادی و غیر مادی سبب شده است که اینان در زندگی اجتماعی دچار تزلزل گردند ، و ناسازگاری را پیش گیرند. در این گونه موارد این جامعه است که با لوازم و مسائل زندگی و تربیت مجدد ، زندگی رنج آور آنان را باید تغییر دهد نه با مجازات و کیفرهای شدید زیرا اینان با نقصانهائی ، چه مادی و یا غیر مادی روبرو هستند ، و نمی توانند به آسانی روش زندگی خود را تغییر دهند و الزاماً زمانی که گرفتار این شرایط هستند با کجروی در جامعه به حیات خود ادامه خواهند داد و بر اثر تضادهای زندگی و مشکلات اقتصادی حریم قوانین و مقررات پذیرفته شده را رعایت نمی کنند پس باید اجتماع ، از آنان نفرت نکند ، بلکه با وسائل تربیتی مجدد خصوصاً به نوجوانان و جوانانی که در دوره های قبل از ۲۰ سالگی قرار دارند

کمک کنند . چون جامعه نتوانسته است وظیفه خود را در تربیت ایشان ایفاء نماید باید خود را مسئول بشناسد و با تمام نیرو با احساس مسئولیت در رفع مشکلات جوانان منحرف و بزهکار بشتابد .

هر چند ما توانسته ایم بعضی از علت های بزهکاری اطفال و جوانان را بازگو کنیم و یا نظم دهیم ، کشف علت ها در مقابل نا آگاهی افراد مسئول برای درمان و کاهش کجرویه ها و بزهکاری ها کوچکترین سودی نخواهد داشت . یعنی باید وضع نامطلوب آنان را در خارج از دوران خانواده به وسیله برنامه های کارآموزی و تربیتی اصلاح نمایند به طور یقین احساس چنین مسئولیت برای کسانی که در هماهنگ کردن مناسبات و رفتارهای اجتماعی افراد خود را سهیم می دانند از برنامه های اساسی و ضروری به شمار می رود این مؤسسات باید از هر جهت فرصت هایی که به زندگی سالم بزهکاران رونق می دهد و آینده زندگی آنان را بیمه می کند با تربیتهای مجدد ، ارزشهای نوری در اخلاق و رفتار آنان ایجاد نمایند و آنان را آمادگی و شایستگی دهند که به کارهای جامعه نو آشنائی پیدا کنند ، تا اینان برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود ، کاری تازه را شروع کنند و در کارهای دلبپذیر گمارده شوند در این صورت علاوه بر این که کاری تازه می آموزند به آینده امیدوار می شوند و با دلگرمی زندگی خود را آغاز و به افزایش درآمد سرانه ملی کمک می نمایند. این روشهایی است که در بیشتر کشورهای و جوامع مترقی معمول است . و بیشتر جامعه شناسان در این هم عقیده هستند که برای کاهش کجرویه های اجتماعی باید بعد از پیدایش زمینه ها و علت ها به درمان آنان پرداخت و به وسیله برنامه های آموزشی راه را بر پیدایش کجرویه ها سدود گردانید .